اجتهاد، کلید درهای بسته

موسوی فر، رضیه

بخش نخست‏ رضیه موسوی‏فر اسلام دارای احکام ثابتی است که گذشت زمان و تغییر شرایط زندگی و اختلاف فقها و فرهنگ هیچ‏ کدام در تخلف از آنها جایز نیست.مانند حرمت شراب، ربا،قمار،عبادات و موارد دیگر که در این گونه موارد، قانونگذاری معارضه با خداست.در این میدان مجالی‏ برای قانونگذاری نیست و هر گونه اظهار نظر در این‏ زمینه‏ها در حکم کفر به خداست:

«و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون»

(1)در مقابل این حکمها احکام متغیری وجود دارد که در شرایط مختلف قابل‏ تغییر است و قابلیت انطباق بر اوضاع و احوال گوناگون‏ را دارند.

کتاب و سنت مسائل کلی و زیر بنایی را مقرر نموده و فروع را با توجه به تفاوتهای زمان و مکان در حیطه‏ اجتهاد قرار داده است.در حدیثی از امام صادق(ع)به‏ این امر تصریح شده است که فرمود:«بر ماست که‏ اصول را برای شما مطرح کنیم و بر شما باد که آنها را تفریع نمایید».(2)

بنابر این طبع شرع اسلام که جاودانه بودنش آن را می‏طلبد،از یک سو و پیش‏بینی دگرگونیهای حیات و زندگی اقوام و ملل از سوی دیگر،اقتضا می‏کند که‏ موارد سکوت قانون(3)در این آیین جاودانی چشمگیر و فراوان باشد.چرا که به فراخور دگرگونیها و تحول‏ فرهنگ ملتها،ناچار به قواعد و مقررات جدیدی نیاز پیدا خواهد شد.

مقررات مربوط به صادرات و واردات،امور گمرکی، آموزشی،معاهدات و عضویت در مجامع بین المللی، مسائل ورزشی،بیمه،قوانین آبها،اراضی موات، جنگلها و مراتع،ثبت اسناد و املاک،ثبت احوال و علایم و اختراعات،انتخابات و کیفیت قوا و هزاران‏ مسأله دیگر از این قبیل،همه و همه جزء موارد سکوت‏ قانون در حقوق اسلامی است و برای این موارد هیچ‏ گونه روش خاصی ارائه نشده است،چرا که با تفاوت‏ شرایط مختلف زمانی و مکانی،شکل کار نیز تفاوت‏ پیدا می‏کند و اینجا میدانی است برای عقول انسانی تا به فراخور فرهنگ و زمان و مکان و با مدد گرفتن از منابع اصیل شریعت،در موارد سکوت قانون،ترتیب‏ کارها را بدهند و گره از مسائل و معضلات جدید و خلق الساعه بگشایند.از یک شریعت مدعی جاودانگی‏ جز این انتظاری نیست.بنابراین در مواردی که شرع‏ قانون خاصی ندارد یا حکم شرع بر مبنای عرف و عادت و مصالح اجتماعی خاص بوده،مانند تعزیرات یا امور مربوط به شؤون حکومت و مقررات اداری و استخدامی،روابط خارجی دولتها،مقررات مرری و نظایر آنها،دست قانونگذار باز است و می‏تواند با رعایت‏ اصول و مقررات کلی و اهداف اساسی اسلامی و مصالح عامه،قانون وضع کند و به رتق و فتق امور

\*دور بودن شعیه از اداره کشور، زمامداری و نیز رواج تقیه و سیطره‏ روحیه محافظه کاری موجب حاکم‏ شدن فرد گرایی بر بحثهای فقهی‏ شد.

\*استفاده از روشهای تحقیق فنی‏ و علمی جدید و حتی استفاده از روشهای پیشرفته بحث علمی و به‏ کار بردن ابزارهایی که امروزه در تسهیل کار علمی دارای سهم‏ مؤثری است،به وظیفه تکمیل فقه‏ کمک می‏کند.

بپردازد.

فقه اجتهادی با برپایی حکومت اسلامی در ایران،در محک آزمون عملی قرار گرفته است و باید پاسخگوی‏ مسائل و مشکلات انبوهی که فرا روی حکومت اسلامی‏ قرار گرفته و فقه مدعی پاسخگویی بدانهاست،باشد. فقه شیعه در قرون متمادی ادعا کرده است که توانایی‏ اداره و مدیریت جامعه و جهان و پاسخ دادن به تمامی‏ پدیده‏ها از هر نوع که باشد،را دارد.بنابراین امروزه بر فقه اجتهادی و مجتهدین انقلابی است که از پس این‏ آزمون سخت برآیند و توانایی فقه جعفری را به اثبات‏ رسانند.بدیهی است که زمان وعده و شعار و درنگ به‏ سر آمده است و جای عمل و سختکوشی است.و بر مجتهدان است که موضوع واقعی احکام و ملاکها و روح‏ آنها را به دست آورده،با دقت کافی در مقتضیات زمان، قانون مناسب را تشخیص و بیان نمایند.امام(ره)در باب‏ این وظیفه فرموده‏اند:«اگر بعضی از مسائل در زمانهای گذشته مطرح نبوده است و یا موضوع نداشته‏ است،فقهای امروز،باید برای آن فکری بکنند».(4)و در جای دیگری فرموده‏اند:«چه بسا شیوه‏های رایج اداره‏ امور مردم در سالهای آینده تغییر کند و جوامع بشری‏ برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کنند.علمای بزرگوار اسلام از هم اکنون باید برای این‏ موضوع فکری کنند».(5)

و شهید مطهری در این زمینه می‏گوید:«علمای‏ امت...آنها هستند که باید بفهمند واجب کفایی در چیست و آنها هستند که باید خصوصیات زمان‏ خودشان را تشخیص دهند و بعد بگویند آن واجب‏ کفایی اسلام در این زمان با این وسائل انجام می‏شود و در زمان دیگر با وسائل دیگر،اینها را به حسب زمانها تشخیص بدهند».(6)

تعریف اجتهاد

اجتهاد دارای دو معنی است: -معنای لغوی که عبارت است از تحمل مشقت در انجام عملی و ضمنا در امور مهم به کار می‏رود نه در کارهای پیش پا افتاده.

-معنای اصطلاحی و آن این است که فقیه تمام‏ توانش را در جهت تحصیل احکام شرعی به کار برد و حکم خداوند را در مورد هر مسأله‏ای اخذ و بیان‏ کند.(7)

و نیز در تعریف اجتهاد و مجتهد گفته شده است: «اگر کسی مقدمات تحصیلی برای فرا گرفتن احکام‏ شرع را بیاموزد به حدی که اگر مسأله‏ای از موارد سکوت قانون را به او بدهند بتواند حکم آن مسأله را از منابع حقوق اسلام استخراج کند،او مجتهد است و این‏ استخراج حکم را اجتهاد می‏نامند.اجتهاد اگر به حد عادت برسد،مجتهد را مجتهد مطلق نامند و گرنه مجتهد متجزی است».(8)

شهید مطهری در مورد به کارگیری کلمه اجتهاد در میان مسلمین و وظیفه مجتهدین و معنای اجتهاد می‏گوید: «کلمه اجتهاد نخستین بار در احادیث نبوی به کار رفته و سپس در میان مسلمین رایج گردیده است.این‏ کلمه در قرآن نیامده است.کلمه‏ای که از لحاظ روح‏ معنی مرادف این کلمه است و در قرآن آمده است‏ «تفقه»است.قرآن صریحا به تفقه و فهم عمیق دین‏ دعوت کرده است.

اجتهاد یا تفقه در دوره خاتمیت وظیفه بسیار حساس‏ و اساسی بر عهده دارد و از شرایط جاوید ماندن اسلام‏ است.اجتهاد را به حق نیروی محرکه اسلام خوانده‏اند.

اهم وظایف و مسؤولیتهای علمای امت اجتهاد است. اجتهاد یعنی کوشش عالمانه،با روش صحیح،برای‏ درکت مقررات اسلام با استفاده از منابع:کتاب،سنت، اجماع،عقل».(9)

مرحوم دکتر شهابی نیز در کتاب«ادوار فقه»به‏ کلمه اجتهاد پرداخته و می‏گوید:ریشه و اصل کلمه‏ اجتهاد،به معنی کوشش کردن می‏باشد.در قرآن‏ مجید در مواردی از قبیل آیه

«و من جاهد فینا لنهدینهم‏ سبلنا»

به معنی کوشش علمی و عملی در راه‏ خداشناسی و در راه دین به کار رفته است.

ابن حزم همین جهت را در نظر داشته آنجا که در کتاب«المحلی»گفته است:«و الاجتهاد انما معناه بلوغ‏ الجهد فی طلب دین الله عز و جل،الذی اوجبه علی‏ عباده...»

این کلمه در صدر اسلام چنان که به معنی اعم از کوشش درباره اصول عقاید و فروع احکام استعمال‏ شده،درباره خصوص هر یک از این دو نیز به کار رفته‏ است...در همان صدر اول اسلام بلکه در زمان خود پیغمبر(ص)لفظ اجتهاد به معنی کوشش در راه‏ استنباط احکام فرعی به کار رفته است.(10)

از اجتهاد تعاریف گوناگونی به عمل آمده است که‏ عمدتا ناظر بر تلاش مجتهدین برای به دست آوردن‏ حکم شرعی است و به طور خلاصه منظور صاحبنظر شدن در امر دین است.

روح اجتهاد

اجتهاد در شیعه به لحاظ دور بودن شیعه از حکومت‏ و عدم رویارویی مستقیم با مسائل مختلف اجتماعی،آن‏ گونه که باید در همه ابعاد رشد نکرده است.دور بودن‏ شیعه از اداره کشور و زمامداری و نیز رواج تقیه و سیطره روحیه محافظه‏کاری،موجب شد تا در غالب‏ بحثهای فقهی،فردگرایی بر اندیشه فقهی گذشته‏ حاکم گردد به طوری که غالب فقها در هنگام استنباط از مصادر احکام اسلامی،چهره فردی یک مسلمان را در نظر می‏گرفتند و به واسطه حاکمیت سیاسی‏ مخالفان،در استنباط و اجتهاد به حل معضلات‏ اجتماعی و ترسیم الگوهای اجتماعی و ارائه جامعه‏ای‏ نمونه،نظر نداشتند.همزمانی حرکت اجتهاد در نزد شیعیان،با برکناری شیعه از سیاست،سبب شد که‏ شیعه فقه اسلامی خود را از صحنه‏های اجتماعی به‏ دور دارد و این برکناری از سیاست به تدریج موجب شد دامنه هدفی که حرکت اجتهاد را پدید آورد،در میان‏ امامیه محدودتر گردد.و این اندیشه را پدید آورد که‏ یگانه جولانگاه آن،جولانگاه انطباق فرد با نظریه اسلام‏ است،و نه جامعه و چنین بود که در ذهن فقیه،اجتهاد با چهره فرد مسلمان ارتباط یافت نه با چهره اجتماع‏ مسلمانان و یکسونگری فقه از همین جا سرچشمه‏ می‏گیرد.به همین جهت اجتهاد به صورتی مستمر،بنا را بر این نهاد که در جنبه‏های مسائل فقهی بیشتر کوشش خود را در صحنه تطبیق فردی و منطبق کردن‏ زندگی فردی با نظریه اسلام به کار برد و در صحنه‏ تطبیق اجتماع با نظریه اسلام کوشش ننماید و موضوعاتی که زمینه این امر را آماده می‏سازد،رها نماید.این موضعگیری ذهنی فقیه،نه تنها به یک‏ سونگری فقه از جنبه عینی انجامید،بلکه به تدریج نظر فقیه را درباره خود قانون نیز به فردگرایی کشاند.زیرا که جنبه فردی بر ذهن فقیه رسوخ یافته و عادت کرده‏ بود که فرد و دشواریهای او را در نظر بگیرد.بنابراین‏ قانون و شریعت را اغلب در صحنه جولانگاه فرد می‏نگریست.سیطره این تفکر-به رغم وجود تعداد انگشت شماری از فقها در هر دوره که به ابعاد جهانشمول اسلام و حکومت اسلامی عنایت داشتند- سبب گردید تا روح بحثهای سیاسی-اجتماعی اسلام‏ به دست فراموشی سپرده شده و به صورت حاشیه‏ای‏ مطرح گردد.

امام خمینی(ره)در این باره می‏فرمایند:«تأسف‏ بیشتر آنکه همین دستگاههای مرموز نگذاشته‏اند طبقه تحصیلکرده به احکام مقدسه اسلام به ویژه‏ قوانین تشکیلاتی و اجتماعی و اقتصادی توجه کنند و با تبلیغات گوناگون وانمود نموده‏اند که اسلام جز احکام عبادی مطلبی ندارد.در صورتی که قواعد سیاسی و اجتماعی آن بیشتر از مطالب عبادی آن‏ است».(11)

حضرت آیت الله خامنه‏ای رهبر انقلاب در پیامی به‏ نخستین کنگره علمی-تخصصی دایرة المعارف‏ اسلامی با توجه به این مسأله که فقه امامیه سه وظیفه‏ مهم بر عهده دارد که عبارتند از معرفی،بهره‏برداری و تکمیل،که دو وظیفه اول ناظر به گذشته و اکنون است‏ و وظیفه سوم ناظر به آینده است،فرمودند:«بجز در احوال شخصیه و نیز در آنچه مربوط به فرد مسلمین‏ است،فقه اسلامی و از جمله فقه شیعی،در طول قرنها مورد بهره‏برداری قرار نمی‏گرفته است.پس از تشکیل‏ جمهوری اسلامی فقه شیعه یکسره در معرض عمل‏ جامعه ایرانی است و به تبع آن در همخوانی با موج همه‏ جایی گرایش ملتها به اسلام فقه سایر مذاهب نیز در برخی کشورها به جایگاه قانونگذاری نزدیک شده‏ است.

با این همه هنوز توان عظیم فقه،در گره‏گشایی‏ معضلات زندگی و حل نقاط کور در مناسبات اسلامی‏ فرد و جامعه به کار گرفته نشده و بعضا شناخته نشده‏ است.پدیده‏های روز به روز زندگی در مقام استفهام و استفتاء از فقه اسلامی طبعا باید به پاسخی قانع کننده‏ و حکمی قابل استدلال برسد.افزون بر این فقه امروز که از پیچیدگی در استدلال و ظرافت همراه با استحکام برخوردار است می‏تواند در تکمیل و پیشرفت‏ دانش حقوق،مورد بهره‏برداری قرار گیرد و راههای‏ تازه‏ای را در برابر محققان مراکز حقوقی جهان‏ بگشاید».(12)

شهید مطهری فریادگر بیدار و متعهد در پی‏ دستیابی به ریشه‏های جمود فکری حاکم بر اجتهاد و قربانی شدن مقررات اسلام در مقابل مقررات اروپایی‏ در قرن چهاردهم در مقاله«الهامی از شیخ الطایفه»، پس از طرح این پرسش که چرا مقررات اسلام در مقابل‏ مقررات اروپا عقب نشینی کرده و اشاره به پاسخهای‏ گوناگون در این زمینه می‏گوید:«قرن ما یعنی قرن‏ چهارده هجری از نظر فقه و مقررات اسلامی قرن،یک‏ فاجعه است،یک فاجعه کم نظیر.در این قرن ما شاهد قربانی شدن مقررات اسلامی در مقابل مقررات اروپایی‏ می‏باشیم.سنگرها را پی در پی از دست فقه اسلامی‏ می‏گیرند.در مسائل قضایی،مدنی،خانوادگی، جزایی و در دیگر مسائل به تدریج مقررات ناقص‏ اروپاییها جانشین مقررات اسلامی می‏گردد.

بدون شک ما از نظر فقه و اجتهاد در عصری شبیه‏ عصر شیخ طوسی زندگی می‏کنیم و دچار نوعی جمود و اعراض از مواجهه با مسائل مورد نیاز عصر خود هستیم.ما نمی‏خواهیم زحمت گام نهادن در راههای‏ نرفته را که عصر ما پیش پای ما گذاشته،به خود بدهیم.همه علاقه ما به این است که راههای رفته را برویم و جاده‏های هموار و کوبیده را بپیماییم،شیخ‏ الطایفه بلکه شیخ الطایفه‏هایی برای قرن چهاردهم‏ ضروری است که اولا با ضمیری روشن نیازهای عصر خویش را درک کنند،ثانیا با شجاعت عقلی و ادبی از نوع شجاعت شیخ الطایفه دست به کار شوند و ثالثا از چارچوب کتاب و سنت خارج نشوند».(13)

ایشان در جای دیگر و به مناسبت دیگر می‏گوید: «اتفاقا اجتهاد جزء مسائلی است که می‏توان گفت روح‏ خودش را از دست داده است.مردم خیال می‏کنند که‏ معنی اجتهاد و وظیفه مجتهد فقط این است که همان‏ مسائلی را که در همه زمانها یک حکم دارد رسیدگی‏ بکنند...در صورتی که اینها اهمیت چندانی ندارد، آنچه اهمیت دارد مسائل نو و تازه‏ای است که پیدا می‏شود و باید دید که این مسائل با کدام یک از اصول‏ اسلامی منطبق است.بوعلی هم لزوم اجتهاد را روی‏ همین اساس توجیه می‏کند و می‏گوید به همین دلیل‏ در تمامی اعصار باید اجتهاد وجود داشته باشد».(14)

و شهید بهشتی فقیه و مصلح دردمند از وضعیت‏ حاکم بر فضای اجتهاد فغان سر داده و می‏گوید:«ما برای اینکه جمهوری اسلامیمان،جمهوری اسلامی‏ بماند،باید اجتهاد انقلابی داشته باشیم،یعنی‏ اجتهادی که محافظه‏کاری نباشد،اجتهادی که با همه‏ مسائل و با همه نهادها با روحیه انقلابی برخورد کند... فردی که روحیه انقلابی ندارد،ضعف نفس دارد و محافظه کار بار آمده است،اگر تمام ویژگیهای دیگری را هم که در کتابها برای مجتهد می‏شماریم دارا باشد،در فهم بعد انقلابی اسلام توانایی کافی نخواهد داشت.

در حقیقت با صراحت این طور بگویم:برای اینکه یک‏ مجتهد واجد الشرایط باشد،می‏خواهم یک شرط اضافه‏ کنم و بگویم که مجتهد باید دارای روحیه انقلابی باشد تا درست مجتهد باشد،این قیدی است که ما به عنوان‏ یک مبنا برای اصول الفقه پیشنهاد می‏کنیم».(15)

آیت الله محمد ابراهیم جناتی صاحبنظری که در زمینه مشکلات موجود بر سر راه اجتهاد و ویژگیهای‏ فقه اجتهادی به تحقیق پرداخته،ویژگی اساسی‏ مشکلات را به حوزه فکری مجتهدان مربوط دانسته و می‏گوید:«باید دانست که مشکل فقه اجتهادی ما در دیروز و امروز غرب زدگی و شرق زدگی نبوده،بلکه‏ جمود،عوام زدگی،بسته ذهنی،دید کوتاه و عدم درک‏ شرایط زمان بوده است».(16)

ایشان در جای دیگری می‏گوید:«اسلام قاعد پیش از انقلاب اگر چه پس از پیروزی انقلاب قائم شد ولی فقیه‏ اجتهادی پیش از انقلاب هنوز قائم نگردیده است.باید سعی و تلاش کرد که فقه را همانند اسلام قائم کرد زیرا حکومت اسلامی و جهان اسلام از اسلام قائم توقع‏ برنامه و طرح دارند و فقه تا مادامی که قائم نشود نمی‏تواند پاسخگوی نیازها باشد و مشکلات جامعه را بر طرف نماید».(17)

مسائل مطروحه در بالا بیانگر اعتراضات روشنگرانه‏ و هشدار دهنده فقهای آگاه به مسائل زمان،درباره‏ برخورد ضعیف اجتهاد با مسائل مبتلا به و جدید جوامع،از جمله جامعه اسلامی ایران است و نمایانگر اندیشه لزوم تحول در اجتهاد همراه با تحولات زمان و مکان و نیازهای هر عصر است.چرا که از دید این‏ آگاهان به مسائل اسلامی،فلسفه وجودی اجتهاد چیزی جز پاسخگویی به مسائل جدید از دیدگاه اسلام‏ نیست که این پاسخگویی به حوزه خاصی محدود نمی‏شود و به قول امام راحل(ره)فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است.

نکته‏ای که این مصلحان در آن اتفاق نظر قطعی‏ دارند،توان و بنیه غنی و مکفی منابع فقه شیعی در پاسخگویی به مسائل و معضلات جدید هر عصر،بدون‏ استمداد از منابع دیگر است.آنها معتقدند که‏ جاودانگی قوانین اسلام و جامعیت و خاصیت‏ انعطاف‏پذیری سیستم قانونگذاری اسلام-در صورت‏ درست به کار گرفتن-هیچ مشکلی را بدون حل باقی‏ نخواهد گذاشت.

این مسأله به کرات از سوی امام راحل(ره)مورد تأکید قرار گرفته است که قوانین اسلام جامع است و بن بستی در مقابل نخواهد داشت.ایشان می‏فرمایند:

«اسلام از قبل تولد انسان شالوده حیات فردی را ریخته‏ است،تا آن وقت که در عائله زندگی می‏کند،شالوده‏ اجتماع عائله‏ای را ریخته است و تعیین تکلیف فرموده‏ است،تا آن وقت که در تعلیم وارد می‏شود،تا آن وقت‏ که در اجتماع وارد می‏شود،تا آن وقت که روابطش با سایر ممالک و دول و ملل هست،تمام اینها برنامه‏ دارد،تمام اینها تکلیف دارد.در شرع مطهر این طور نیست که فقط دعا و زیارت باشد...سیاست دارد اسلام.اداره مملکت دارد اسلام.ممالک بزرگ را اداره‏ می‏کند اسلام».(18)

امام در جای دیگر می‏فرمایند:«اسلام در همه ابعاد قانون دارد و به همین جهت احتیاج به قوانین دیگری‏ نداریم».(19)«مسائل مستحدثه،مسائل که بعدها پیش‏ خواهد آمد که حالا ما نمی‏دانیم،این فقه از عهده‏ جوابش بر می‏آید».(20)

در زمینه توان پاسخگویی و به عبارتی تکمیل فقه، رهبر معظم انقلاب فرمودند:«تکمیل:با پیشرفت فنی‏ و صنعتی و علمی بشر که بر روی همه شؤون زندگی‏ وی اثر گذارده و سرعت حوادث و پدیده‏های نو را نسبت به روزگار گذشته چند و چندین برابر کرده است، تعداد موضوعاتی که در معرض پاسخگویی،فقه باید حکم شرعی آنها را بیان کند نیز به همین نسبت‏ افزایش می‏یابد.بی‏شک سرچشمه‏های فقه و نیز شیوه‏ فقاهت برای فهم حکم این موضوعات کافی است.ولی‏ شناخت موضوعی آنها و تحقیق و توفیق لازم برای‏ تطبیق موضوع با عناوین کلی در فقه و استدلال‏ مناسب و خلاصه بهترین روش برای درک حکم شرعی‏ آن،کاری مهم و راهی دراز است.همچنین ای بسا موضوعاتی که در فقه مطرح است ولی امروزه موضوع‏ چنان تحول و تطوری یافته که به آسانی نمی‏توان حکم‏ آن را از آنچه که در گذشته گفته شده است،دانست. باید با روش بینی و احاطه علمی و پایبندی به روش‏ فقاهت از یک سو و آزاد اندیشی و شجاعت علمی از سوی دیگر،مفاهیم جدیدی را در فقه کشف کرده و احکام تازه‏ای را با استناد به کتاب و سنت عرضه کنند و این تکمیل فقه است.افزون بر اینها استفاده از روشهای‏ پیشرفته بحث علمی و به کار بردن ابزارهایی که امروزه‏ در تسهیل کار علمی دارای سهم مؤثری است،همه آنها به وظیفه تکمیل فقه کمک می‏کند».(21)

شهید مطهری در این باره می‏گوید:«جاودانگی‏ قوانین اسلام و نسخ‏ناپذیری آن که امری قطعی و از ضروریات اسلام است با قابلیت انعطاف که امری است‏ مربوط به سیستم قانونگذاری اسلام و خود اسلام خود به خود با مکانیسم مخصوصی که از مختصات سیستم‏ قانونگذاری اسلام است به وجود می‏آورد،یکی فرض‏ شده است و حال اینکه این دو تا کاملا از یکدیگر جدا هستند.قدرت شگرف جوابگویی فقه اسلامی به‏ مسائل جدید هر دوره‏ای نکته‏ای است که اعجاب‏ جهانیان را برانگیخته است.تنها در زمان ما مسائل‏ جدید رخ ننموده است،از آغاز طلوع اسلام تا قرن‏ هفتم و هشتم که تمدن اسلامی در حال توسعه بود و هر روز مسائل جدید خلق می‏کرد،فقه اسلامی بدون‏ استمداد از هیچ منبع دیگر وظیفه خطیر خویش را انجام داده است».(22)

ایشان به مسائل حل نشده که زمان پیشروی فقها قرار می‏دهد توجه خاصی دارد و می‏گوید:«این طور نیست که همه مشکلات ما در قدیم به وسیله علما حل‏ شده و دیگر اشکال و کاری نداریم.ما هزاران معما و مشکل در کلام و تفسیر و فقه و سایر علوم اسلامی‏ داریم...که وظیفه آیندگان است که حل کنند».(23)

شهید مطهری در جای دیگر می‏گوید:«به نظر من‏ یکی از معجزات اسلام خاصیت اجتهاد است...اسلام‏ خصوصیاتی در ساختمان خود دارد که بدون اینکه با روح دستوراتش مخالفتی شده باشد،خودش حرکت و گردش می‏کند،اینکه ما باید آن را به حرکت در بیاوریم‏ خودش قوانین متحرک و ناثابتی دارد و در عین اینکه‏

\*در مقابل احکام ثابت،احکام‏ متغیری در اسلام وجود دارد که در شرایط مختلف قابل تغییر است و قابلیت انطباق بر اوضاع و احوال‏ گوناگون را دارد.

\*آیت الله خامنه‏ای:باید با روشن‏بینی و احاطه علمی و پایبندی به روش فقاهت از یک سو و آزاد اندیشی و شجاعت علمی از سوی دیگر،مفاهیم جدیدی را در فقه کشف و احکام تازه‏ای را با استناد به کتاب و سنت عرضه کرد.

\*آیت الله جناتی:مشکل فقه‏ اجتهادی ما در دیروز و امروز غرب زدگی و شرق زدگی نبوده، بلکه جمود،عوام زدگی،بسته‏ ذهنی،دید کوتاه و عدم درک‏ شرایط زمان بوده است.

قوانین ثابت و لا یتغیری دارد ولی چون آن قوانین متغیر را وابسته کرده است به این قوانین ثابت،هیچ وقت هم‏ اختیار از دست خودش خارج نمی‏شود».(24)

ایشان در جایی دیگر می‏افزایند:«اجتهاد یک مفهوم‏ نسبی و متطور و متکامل است و هر عصری و زمانی‏ بینش و درک مخصوصی ایجاب می‏کند.این نسبیت از دو چیز ناشی می‏شود.قابلیت استعداد پایان ناپذیر منابع اسلامی برای کشف و تحقیق و دیگر تکامل‏ طبیعی علوم و افکار بشری و این است راز بزرگ‏ خاتمیت».(25)

آیت الله جناتی معتقد است که:«ما در مقام استنباط احکام حوادث واقعه با به کارگیری اجتهاد پویا(بعد از سنجیدن ابعاد قضایا و ویژگیهای درونی و بیرونی‏ موضوعات)در اصول احکام که در کتاب خدا و سنت‏ رسول(ص)و امامان معصوم(ع)قرار دارد،فروع تازه را از هر نوع که باشد به اصول پایه بازگشت داده و پاسخگو می‏شویم و نیز با به کارگیری اجتهاد یاد شده در قوانین‏ کلی که در کتاب و سنت قرار دارد بر مصادیق خارجی‏ از هر نوع که باشد منطبق می‏نماییم.این خلأها و نارساییها و مشکلات و عدم پاسخ مناسب در برابر رویدادهای جامعه و مسائل حکومتی بدین سبب است‏ که اجتهاد مطلوب در ادله آنها به کار گرفته نشده است‏ و به پندار من هر گاه با این شیوه،اجتهاد در آنها به کار گرفته شود،پاسخگوی نیازها از هر نوع که باشد خواهیم شد».(26)

پی نوشت:

(1)-سوره مائده.آیه 44.

(2)-انما علینا ان تلقی الیکم الاصول و علیکم ان تفرعوا،وسائل‏ الشیعه،ج 18،ابواب صفات قاضی،باب 51 و 52 و نیز از امام رضا (ع)منقول است:علینا القاء الاصول و علیکم التفریع،همان.

(3)-ما لا نص فیه.

(4)-«صحیفه نور»،ج 21،ص 46.

(5)-«صحیفه نور»،ج 21،ص 100.

(6)-مرتضی مطهری،«اسلام و مقتضیات زمان»،جلد دوم،تهران، انتشارات صدرا،چاپ دوم،1372،ص 81.

(7)-الاجتهاد فی الفلسفه تحمل الجهد و هو المشقه فی امر،یقال‏ اجتهد فی حمل الثقیل و لا یقال ذالک فی الحقیر و اما فی الاصطلاح‏ فهو استفراغ الفقیه و سعه فی تحصیل الظن بحکم شرعی،امام‏ جمال الدین ابی منصور،شیخ حسن«معالم الدین»،تهران،انتشارات‏ رشیدیه،1378 ق،ص 232.

(8)-محمد جعفر لنگرودی،«حقوق اسلام»،تهران،گنج دانش، 1358،ص 212.

(9)-پیشین،مطهری،«شش مقاله»،ص 129.

(10)-محمود شهابی،«ادوار فقه»،انتشارات و چاپ دانشگاه‏ تهران،چاپ سوم،1357،ج 1،ص 6-545.

(11)-«صحیفه نور»،ج 1،ص 150.

(12)-از پیام مقام معظم رهبری به نخستین کنگره علمی- تخصصی دایرة المعارف فقه اسلامی،14/11/1372.

(13)-مرتضی مطهری،«تکامل اجتماعی انسان»،(مقاله الهامی از شیخ الطایفه)،انتشارات صدرا،1362،ص 190-188.

(14)-پیشین،مطهری،«اسلام و مقتضیات زمان»،ج 1،ص‏ 130.

(15)-صورت مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی‏ جمهوری اسلامی ایران.

(16)-محمد ابراهیم جناتی،«تکامل اجتهاد»،کیهان فرهنگی،ش‏ 100،مرداد 1372،ص 85.

(17)-محمد ابراهیم جناتی،«عصر کلیت کاربردی اجتهاد»، کیهان اندیشه،ش 49،مرداد و شهریور 1372،ص 89-88.

(18)-«صحیفه نور»،ج 1،ص 119.

(19)-«صحیفه نور»،ج 4،ص 21.

(20)-«صحیفه نور»،ج 20،ص 157.

(21)-از پیام رهبر معظم انقلاب به نخستین کنگره علمی- تخصصی دایرة المعارف فقه اسلامی.

(22)-مطهری،«اسلام و مقتضیات زمان»،ج 1،ص 8.

(23)-مرتضی مطهری،«رهبری نسل جوان»،تهران،کانون‏ خدمات فرهنگی الست،1361،ص 180.

(24)-مطهری،«اسلام و مقتضیات زمان»،ج 1،ص 135.

(25)-مطهری،«شش مقاله»،ص 135.

(26)-آیت الله جناتی،کیهان فرهنگی،ش 100،ص 83.